

### متن پرسش

سلام: آن جایی که اهداف خلقت را ذکر می کنند و می گویند: رسیدن به رحمت عبودیت احسن عمل اگر عبودیت را به یک معنا انجام تمام واجبات و محرمات \_ اعتقادی اخلاقی فقهی... \_ بدانیم بعد بنا باشد هر عملی را یعنی هر واجبی را \_ یا هر مستحبی را... \_ به طور احسن انجام دهیم یعنی فرض کنید ما واجبات و تکالیف رساله عملیه را داریم واجبات اعمال اخلاقی را داریم \_ مثلاً مثل آن ها که در گناهان کبیره ذکر شده یا در مسائل اخلاقی رساله آیه الله مظاهری هست - بعد واجبات اخلاقی را داریم - همان صفات اخلاقی مثل کبر، ریا، کفر، حسد. مثل آنهایی که در کتاب الاخلاق آیه الله مظاهری هست - به اضافه ی واجبات اعتقادی. سوال من این است که احسن عملاً یعنی چه جور عملی؟ بعضی جواب می دهند کاری کا عقلانیت بیشتری خروجش کرده باشیم. ولی شاید زیاد واضح نباشد مثلاً در تفسیر نور ذیل آیه ی ۲ سوره نور می خوانیم: "کار «حسن» و نیک چه شرایطی دارد؟ کار نیک، کاری است که از نظر هدف، زمان، مکان، ضرورت، تداوم، ابزار مورد استفاده، همکاران، بهره گیران، استقامت در کار، استحکام، نظم، آینده نگری در عمل، اولویت های مورد نیاز، نشاط، اعتدال، دقت، سرعت و سلامت کار، مورد سنجش و برنامه ریزی قرار گرفته باشد و به دور از آفت های عجب، حبط، ریا و سمعه انجام پذیرد." به نظر شما برای این که ما عمل مان احسن باشد یک شرطش داشتن اجتهاد نیست؟ چون واقعاً اگر کسی اهل عمل باشد و بخواهد در هر عمل و هر لحظه هر کاری \_ حداقل واجبات \_ انجام می دهد این شرایط را درش لحاظ کند خیلی مشکل است شاید غیر ممکن. من حتی در یک عمل \_ مثلاً شغل و کار و کسب ام \_ هنوز یک شرطش را هم ندارم؟! تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مسلماً اجتهاد در این موارد بسیار راه گشاست. ولی عنایت داشته باشید که با تأمل مداوم در امور سلوکی و معنوی خود به خود انسان متوجه ظرفیت های خودش نسبت به احسن عمل خواهد شد. موفق باشید